مجله علمی- تحقیقی جوزجانان

دوره ۱۹؛ شماره ۱ (مسلسل ۴۸)؛ بهار و تابستان ۱۴۰۵؛ صفحات ۱۳۳-۱۵۴

شاپا چاپی: ۳۰۸۰-۱۰۶۰- شاپا الکترونیکی: ۳۰۸۰-۱۰۷۹

شکنندگی مرزهای حریم خصوصی مهاجران: تحلیل نشانه‌شناختی تصاویر مهاجران افغان در اردوگاه‌های اسکان موقت و دائمی

سید نبی سجادی[۱*]، محمد عارف انوری[۲]

۱*. دکترای تخصصی ارتباطات، دیپارتمنت ارتباطات علوم اجتماعی، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون تهران، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول). s.nabi.sajadi@gmail.com - https://orcid.org/0009-0002-1741-5723

۲. پوهندوی، دیپارتمنت ژورنالیزم، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان. arif.anwari2017@gmail.com - https://orcid.org/0009-0003-0622-5577

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۳/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۷/۲۵)

چکیده

این مقاله به بررسی شکنندگی مرزهای حریم خصوصی و پیامدهای روانی، اجتماعی و فرهنگی آن برای مهاجران افغان پرداخته است. رویکرد اصلی تحقیق، تحلیل نشانه‌شناختی تصاویر منتخب است که بر رمزگشایی جنبه‌های معنایی و نمادین عناصر بصری تمرکز دارد تا لایه‌های پنهان معنا را در رابطه با مفاهیم آوارگی، بیگانگی و سلب کرامت انسانی کشف کند. یافته‌های توصیفی تحلیل نشان می‌دهد که در فضاهای اسکان موقت و دائمی، نشانه‌های بصری متعددی دال بر فروپاشی مرزهای حریم خصوصی وجود دارد؛ از جمله قرار گرفتن فضاهای شخصی در معرض دید عمومی، نظم تحمیلی و غیرشخصی در چیدمان فضاها، تراکم بالای جمعیت، کمبود یا فقدان امکانات بهداشتی خصوصی و فقدان نشانه‌های هویتی و شخصی‌سازی فضا. بر پایه چارچوب‌های نظری مقاله، از جمله نظریه حریم خصوصی، اصول روان‌شناسی محیطی و مفهوم «نظم نمادین» لاکانی، استنباط شده است که این شرایط ممکن است بر هویت، سلامت روان و سازگاری مهاجران تأثیر بگذارد؛ با این حال، اثبات قطعی این پیامدها نیازمند تحقیقات تجربی تکمیلی است. همچنین، برجسته بودن زنان و کودکان در یکی از تصاویر، با ادبیات مربوط به آسیب‌پذیری مضاعف گروه‌های خاص همخوانی داشت، هرچند این ارتباط نیز یک استنباط نظری است و نه یافته تجربی مستقیم. نهایتاً، مقاله با تکیه بر چارچوب‌های نظری فوق استدلال می‌کند که از دست دادن خانه می‌تواند به معنای از دست دادن بخشی از هویت و حس تعلق تلقی شود و مهاجران را در معرض نوعی «برهنگی روانی» قرار دهد.

کلمات کلیدی: آسیب‌پذیری، افغانستان، حریم خصوصی، مهاجران افغانستان، نشانه‌شناختی.

---

*. ارجاع: سجادی، سید نبی و انوری، محمد عارف. (۱۴۰۵). شکنندگی مرزهای حریم خصوصی مهاجران: تحلیل نشانه‌شناختی تصاویر مهاجران افغان در اردوگاه‌های اسکان موقت و دائمی. *مجله علمی- تحقیقی جوزجانان*، ۱۹ (۱)، ۱۳۳- ۱۵۴. https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2026.110

Scientific-Research Journal of Jawzjanan
Volume 19; Issue 1 (Serial No. 48); Spring & Summer 2026; Pages 133–154
P-ISSN: 3080-1060– E-ISSN: 3080-1079

The Fragility of Immigrants' Privacy Boundaries: A Semiotic Analysis of Images of Afghan Immigrants in Temporary and Permanent Settlement Camps

Sayed Nabi Sajjadi[1*], Mohammad Arif Anwari[2]

1*. Ph.D. Department of Communication Sciences, Faculti of Social Science, Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
s.nabi.sajadi@gmail.com - https://orcid.org/0009-0002-1741-5723

2. Assistant Prof. Department of Journalism, Faculti of Social Science, Jawzjan University, Sheberghan. Afghanistan.
arif.anwari2017@gmail.com – https://orcid.org/0009-0003-0622-5577

(Received: 09/06/2026 - Accepted: 17/10/2026)

Abstract

This article examined the fragility of privacy boundaries and their psychological, social, and cultural consequences for Afghan immigrants. The main research approach was a semiotic analysis of selected images, focusing on decoding the semantic and symbolic aspects of visual elements in order to uncover hidden layers of meaning in relation to the concepts of displacement, alienation, and the deprivation of human dignity. The descriptive findings of the analysis indicated that, in temporary and permanent settlement spaces, numerous visual signs signify the collapse of privacy boundaries; these include the exposure of personal spaces to public view, an imposed and impersonal order in the arrangement of spaces, high population density, the scarcity or absence of private sanitary facilities, and the lack of identity markers and personalization of space. Drawing on the article's theoretical frameworks—including privacy theory, the principles of environmental psychology, and the Lacanian concept of the "symbolic order"—it was inferred that these conditions may affect the identity, mental health, and adaptation of immigrants; however, definitive confirmation of these consequences requires further empirical research. Moreover, the prominence of women and children in one of the images was consistent with the literature on the double vulnerability of specific groups, although this connection also constituted a theoretical inference rather than a direct empirical finding. Finally, drawing on the aforementioned theoretical frameworks, the article argued that the loss of home can be interpreted as the loss of a part of one's identity and sense of belonging, potentially exposing immigrants to a form of "psychic nakedness."

Keywords: *Privacy, Afghan Immigrants, Semiotics, Vulnerability, Afghanistan.*

*. **Citation**: Sajjadi, S. & Anwari, M. (2026). The Fragility of Immigrants' Privacy Boundaries: A Semiotic Analysis of Images of Afghan Immigrants in Temporary and Permanent Settlement Camps. *Scientific-Research Journal of Jawzjanan, 19*(1), 133-154**.** https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2026.110

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَىٰ آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ

مهاجرت، به‌ویژه در شکل اجباری و بحرانی آن، تنها جابه‌جایی جغرافیایی میان دو مکان نیست؛ بلکه تجربه‌ای عمیقاً زیسته‌شده است که ساختارهای هویتی، روانی و اجتماعی فرد را از بنیاد متحول می‌کند. در این میان، «خانه» به‌عنوان یک مفهوم چندوجهی، صرفاً یک سرپناه فزیکی نیست؛ بلکه فضایی است که در آن «خود» شکل می‌گیرد، مرزهای حریم خصوصی تعریف می‌شود و حس تعلق و امنیت ریشه می‌دواند؛ اما زمانی‌که فرد به‌واسطه آوارگی، خانه را ترک می‌گوید و در اردوگاه‌ها یا محل‌های اسکان موقت و دائمی سکنی می‌گزینند، این مرزها فرو می‌ریزند و پناهنده با پدیدهٔ مواجه می‌شود که می‌توان آن را «برهنگی روانی» نامید: قرار گرفتن مداوم در معرض دید عمومی، از دست دادن کنترول بر فضای شخصی و در نهایت، سلب کرامت انسانی.

مهاجران افغانستان، به‌دلیل دهه‌ها درگیری، بی‌ثباتی سیاسی و بحران‌های اقتصادی، یکی از بزرگ‌ترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌های مهاجر در جهان را تشکیل می‌دهند. تجربه آن‌ها از زندگی در اردوگاه‌ها و فضاهای اسکان موقت، نه‌تنها با کمبود امکانات مادی همراه است؛ بلکه با فرسایش تدریجی مرزهای حریم خصوصی و پیامدهای روانی، اجتماعی و فرهنگی آن نیز دست‌وپنجه نرم می‌کند. این در حالی است که تحقیقات نشانه‌شناختی، به‌ویژه در حوزه تصاویر و بازنمایی‌های بصری، می‌تولند لایه‌های پنهان این تجربه را آشکار سازد و ابعادی از آسیب‌پذیری را نمایان کند که در تحلیل‌های صرفاً کلامی یا آماری کمتر به چشم می‌آید (IOM Afghanistan, 2026; UNHCR, 2026).

مقاله حاضر، با اتکا به رویکرد نشانه‌شناختی و با تمرکز بر تصاویر منتخب از مهاجران افغانستانی در اردوگاه‌ها و محل‌های اسکان موقت و دائمی، درصدد است؛ تا فرسایش مرزهای حریم خصوصی و پیامدهای چندوجهی آن را رمزگشایی کند. این تحلیل، با بهره‌گیری از مفاهیم نظری همچون «نظم نمادین» لاکان، «اصول روان‌شناسی محیطی» و «نظریه‌های حریم خصوصی»، نه‌تنها به بررسی نشانه‌های بصری موجود در تصاویر می‌پردازد؛ بلکه می‌کوشد تا ارتباط میان این نشانه‌ها و مفاهیمی چون آوارگی، بیگانگی و سلب کرامت انسانی را تبیین نماید. آنچه در ادامه می‌آید، نخست به بیان مسأله و ضرورت این تحقیق اختصاص دارد و

سپس با طرح پرسش‌ها و چارچوب‌های تحلیلی، به تحلیل نشانه‌شناختی تصاویر و استخراج دلالت‌های آن‌ها می‌پردازد.

حریم خصوصی‌که از جمله حقوق اساسی بشر شناخته می‌شود، نقش‌محوری در حفاظت از کرامت فردی، استقلال و رفاه روانی و اجتماعی ایفا می‌کند. در قالب این تعریف که «هر فرد حق دارد، تصمیم بگیرد چه کسی وارد زندگی و اطلاعات شخصی او شود»، مفهوم «خانه» نیز به‌عنوان یک مکان ایده‌آل که در آن حریم خصوصی افراد حفظ می‌شود، مطرح می‌گردد (Altman, 1975; Westin, 1967).

خانه به‌عنوان یک فضای خصوصی، با دیوارها و سقف فزیکی‌اش، جایی است که ساکنان عموماً فعالیت‌های متعددی را دور از دید عموم در آنجا انجام می‌دهند. به‌صورت اساسی، خانه نه‌تنها به‌عنوان یک سرپناه فزیکی؛ بلکه به‌عنوان یک پناهگاه عمل می‌کند. افراد انتظار دارند نیازهای اساسی و کارهای روزمره خود، از جمله غذا خوردن، خوابیدن، خواندن، نوشتن، آشپزی، حمام کردن و سایر امور شخصی را بدون نظارت عمومی، در این مکان انجام دهند. در واقع، چنین حس امنیت و کنترول بر فضای شخصی، پایه و اساس حریم خصوصی در حوزه داخلی را تشکیل می‌دهد (Chapman & Robertson, 1999).

با این اساس، پدیده مهاجرت از نوعی اجباری آن، به‌ویژه در شرایط بحران و بی‌ثباتی، ذاتاً این مرزها را به چالش می‌کشد و اغلب منجر به نقض آن‌ها می‌شود. مهاجران، به‌ویژه آن‌هایی که در اردوگاه‌ها، خوابگاه‌ها یا سکونتگاه‌های موقت ساکن هستند، به‌طور مکرر با فقدان حریم خصوصی مواجه می‌شوند. قبل از مهاجرت آنها فضاهای کاملاً شخصی در قالب خانه برای خویش تعریف و فراهم می کردند؛ اما در هنگام مهاجرت، آنها ممکن است مجبور به اشتراک‌گذاری فضاهای زندگی از جمله: آشپزخانه‌ها، حمام‌ها و حتی محل خواب خود با افرادی ناآشنا (بیگانه) شوند که به معنای قرار گرفتن مداوم در معرض «دید عمومی» است. لذا این وضعیت به‌طور چشمگیری با تجربه زندگی در یک خانه خصوصی در تضاد است (Tomah, Ismail, & Abed, 2016) و می‌تواند به احساس ناامنی، اضطراب و از دست دادن کنترول شخصی انسان مهاجر منجر شود. مهم است که توجه داشته باشیم تفسیر و اهمیت حریم خصوصی در بافت داخلی می‌تواند در فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد (Al-Homoud, 2009)؛ با این حال، مظاهر حریم خصوصی مورد بحث در اینجا مربوط به مهاجران افغانستانی است.

از این جهت، تجربه‌های مهاجران افغان که دهه‌هاست با ناآرامی‌های سیاسی، درگیری‌های مسلحانه و بحران‌های اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند، مثالی از این چالش است. فشارهای

ناشی از آوارگی، زندگی در شرایط نامناسب، لزومِ به اشتراک‌گذاری فضا و اطلاعات و پیمایش فرآیندهای پیچیده اداری به‌طور جمعی و قابل توجهی مرزهای حریم خصوصی این مهاجران را به چالش می‌کشد.

با وجود تحقیقات گسترده در حوزه مهاجرت، با رویکرد نشانه شناختی تصاویر به «آسیب‌پذیری مرزهای حریم خصوصی مهاجران» و پیامدهای چندوجهی آن، با تمرکز ویژه بر وضعیت مهاجران افغان، کمتر پرداخته شده است. کمبود تحقیقات صریح در مورد چگونگی نقض این مرزها در چارچوب خاص افغانستان و تأثیرات بلندمدت آن بر سلامت روان، انسجام اجتماعی و هویت مهاجران افغان، به خودی خود ضرورت تحقیقات جامع در این حوزه را برجسته می‌کند.

بنابراین، استدلال این مقاله تلاش می کند با استفاده از تحلیل نشانه شناختی تصاویر مربوط به مهاجران افغانستانی لایه‌های پیدا و پنهان فقدان"خانه" برای مهاجر را برجسته کند.

در واقع، هدف اصلی این تحقیق، برجسته‌سازی مرزهای شکننده حریم خصوصی انسان مهاجر از طریق تحلیل نشانه‌شناختی تصاویری است که آنها را در اردوگاه‌ها و سایر مکان‌های اسکان موقت و دائمی به تصویر می‌کشد. علاوه بر این، این مطالعه با هدف دستیابی به درک عمیق‌تری از تأثیرات این وضعیت بر سلامت روان، روابط اجتماعی، حس هویت و فرآیندهای سازگاری مهاجران انجام پذیرفته است. در واقع، با ارزیابی پیامدهای ناشی از فقدان خانه، این مقاله تلاش می‌کند؛ تا تصویر روشنی از چالش‌های پیش روی مهاجران افغانستانی ارائه دهد و به درک بهتر نیازهای آنها پی ببرد.

سوال تحقیق: تصاویر مهاجران افغانستانی چگونه از شکنندگی مرزهای حریم خصوصی آنها حکایت می‌کند؟

چارچوب‌های تحلیلی

۱. حریم خصوصی مفهومی چندوجهی است که به توانایی فرد در کنترول دسترسی دیگران به اطلاعات شخصی، بدن و فضای خود اشاره می کند. وستین (۱۹۶۷) با یک دید کلاسیک، حریم خصوصی را به‌عنوان «ادعای افراد، گروه‌ها یا نهادها برای تعیین زمان، نحوه و میزان انتقال اطلاعات مربوط به خود به دیگران» تعریف کرد (Westin, 1967). این کنترول برای حفظ استقلال فردی، تقویت هویت شخصی و تنظیم تعاملات اجتماعی الزامی به نظر می رسد؛ زیرا نقض حریم خصوصی می‌تواند منجر به احساس ناامنی، اضطراب و از دست دادن کنترول بر زندگی شخصی شود (Nissenbaum, 2010).

تعیین مرز، فرآیندی است که از طریق آن افراد مرزهای فزیکی، اجتماعی و اطلاعاتی را برای حفظ حریم خصوصی خود تعریف و مدیریت می‌کنند. آلتمن (۱۹۷۵) این فرآیند را به‌عنوان «تنظیم کنترول بین فردی و درون فردی بر خود» توصیف می‌کند (Altman, 1975, p 6). قابل ذکر است که خانه، به‌عنوان یک فضای خصوصی، نقش مهمی در ایجاد و تقویت این مرزها ایفا می‌کند. طراحی معماری، دکوراسیون و حتی قوانین نانوشته خانواده، همگی در تعیین میزان حریم خصوصی و نحوه تعامل با دنیای بیرون نقش دارند. در موقعیت‌هایی که خانه، به‌عنوان یک پناهگاه خصوصی، به خطر می‌افتد، افراد ممکن است استراتژی‌های جایگزینی را برای حفظ حریم خصوصی خود اتخاذ کنند، از جمله ایجاد فاصله نمادین، پوشیدن لباس‌های محجب یا محدود کردن تعاملات اجتماعی (Proshansky, Ittelson & Rivlin, 1983).

نظریه‌های حریم خصوصی و شکل‌گیری مرزهای خصوصی و عمومی در راستای درک چالش‌هایی که مهاجران در حفظ حریم خصوصی خود با آن مواجه هستند، کمک می‌کند. مهاجران پس از ورود به محیط‌های ناآشنا، متوجه می‌شوند که مرزهای فزیکی و اجتماعی آنها، که حریم خصوصی آنها را تعریف می‌کند، از دست داده‌اند. آنها تراکم جمعیت و نبود فضاهای شخصی، کنترول فردی بر اطلاعات و تعاملات کاهش یافته را حس می‌کنند و این مسأله ممکن است منجر به استرس، انزوا و کاهش هویت شخصی آنها شود. تجزیه و تحلیل حریم خصوصی مهاجران از طریق این دیدگاه‌های نظری، نیازهای آنها را روشن‌تر می‌کند و استراتژی‌هایی را برای حمایت از حریم خصوصی و افزایش کیفیت زندگی پیشنهاد می‌دهد. طراحی فضاهای انعطاف‌پذیر و آموزش افراد در مورد حقوق حریم خصوصی می‌تواند مهاجران را قادر سازد؛ تا کنترول بیشتری بر زندگی خود اعمال کنند (Sommer, 1969).

۲. رویکرد روانشناسی محیطی

روانشناسی محیطی چارچوبی کلیدی برای درک چگونگی تأثیر محیط‌های فزیکی، اجتماعی و قانونی بر تجربیات زیسته مهاجران، به‌ویژه در زمینه شکنندگی حریم خصوصی آنها، ارائه می‌دهد. این دانش ارزیابی می‌کند که چگونه شرایط محیطی (مانند اردوگاه‌های پناهندگی، فضاهای شهری جدید یا نظارت‌های بدون کنترول) بر احساس امنیت، تعلق و درک فرد از محیط اطرافش تأثیر می‌گذارد (Gifford, 2014).

هنگامی‌که مرزهای حریم خصوصی مهاجران می شکند، محیط اطراف آنها از فضایی بالقوه برای بهبود زندگی به فضایی استرس‌زا و تهدیدآمیز تبدیل می‌شود. این نقض‌ها مستقیماً بر ظرفیت فرد برای ایجاد یک «فضای شخصی» و امن تأثیر می‌گذارند و منجر به اضطراب مزمن

و اختلال در حس تعلق او می‌شوند. از دیدگاه روانشناسی محیطی، این شرایط نامطلوب ممکن است منجر به پیامدهای منفی رفتاری و روانی، از جمله انزوای اجتماعی، بی‌اعتمادی به نهادها و در نهایت، بروز علائم افسردگی و اضطراب شوند (Berry, 1997).

این تحلیل، با قابلیت تعمیم‌پذیری بالا، نه‌تنها در مورد مهاجران در محیط‌های پذیرش رسمی؛ بلکه در مورد کسانی که در جوامع شهری زندگی می‌کنند، نیز صدق می‌کند. در محیط‌های شهری، نقض حریم خصوصی می‌تواند از طریق نظارت دیجیتال، دسترسی نهادی به اطلاعات شخصی یا فشارهای اجتماعی برای افشای داده‌ها رخ دهد. در نهایت، درک این تأثیرات زیست‌محیطی بر سلامت روان مهاجران می‌تواند به طراحی مؤثرتر سیاست‌ها و فضاهایی منجر شود که حریم خصوصی و نیازهای روانی را در اولویت قرار می‌دهند.

۳. نظریه لاکان

در نظریه ژاک لاکان، مفهوم «خانه» همواره جایگاه مهمی در مطالعات مهاجرت و دیاسپورا داشته است. خانه به‌عنوان یک مفهوم چندوجهی، نه‌تنها به یک فضای فزیکی اشاره دارد؛ بلکه بار معنایی عمیقی مرتبط با هویت، تعلق و امنیت را نیز به همراه دارد (Westin, 1967). در این زمینه، دیدگاه‌های روانکاولنه، به ویژه نظریه‌های ژاک لاکان، رویکردی منحصر به فرد برای درک تجربه دیاسپورایی و از دست دادن «خانه» ارائه می‌دهند.

لاکان، با تأکید بر مفهوم «کمبود»، استدلال می‌کند که «خانه» در دیاسپورا به یک «کمبود اساسی» تبدیل می‌شود. این بدان معناست که «خانه» دیگر صرفاً یک مکان گمشده نیست؛ بلکه یک غیبت اساسی است که ساختار میل و هویت فرد دیاسپورایی را شکل می‌دهد (Nawaz, & Aziz, 2022). به عبارت دیگر، تجربه دیاسپورایی همواره با احساس ناتمامی و از دست دادن چیزی ضروری همراه است که فرد تلاش می‌کند از طریق جایگزین‌های مختلفی مانند فرهنگ، زبان یا خاطرات آن را جبران کند.

این دیدگاهِ لاکانی با درک متعارفِ از دست دادن «خانه» به عنوان یک تروما یا آسیب‌شناسی روانی متفاوت است. در عوض، لاکان معتقد است که این «کمبود» می‌تواند منبع خلاقیت و نوآوری‌باشد. فرد دیاسپورایی با مواجهه با این کمبود، مجبور می‌شود اشکال جدیدی از هویت و تعلق را ایجاد کند و در فرآیند انطباق با جامعه میزبان، فرهنگ و سنت‌های خود را دوباره تعریف نماید (Berry, 1997). گرچه فرد مهاجر ممکن با باز تعریف فرهنگ و سنت‌های خود بتولند خود را در موقعیت فرهنگی میزبان قرار دهد؛ اما فقدان خانه به عنوان یک مکان امن که در آن حریم خصوصی دوباره احیا می‌شود، همواره بر روان و رفتارهای اجتماعی او فشار وارد می‌کند.

در نتیجه، اضطراب‌های دیاسپورایی نباید صرفاً به‌عنوان شاخص‌های بیماری روانی تلقی شوند؛ بلکه به‌عنوان تظاهرات یک «خلأ هستی‌شناختی» در نظر گرفته می‌شوند که اگرچه درمان قطعی ندارد، اما قابل مدیریت است. در اصل، فرد دیاسپورایی دائماً با احساس ناراحتی و بی‌قراری دست و پنجه نرم می‌کند. با این حال، این احساس می‌تواند باعث رشد، خلاقیت و شکل‌گیری ارتباطات جدید در وی گردد (Nawaz, & Aziz, 2022).

در همین راستا، خوانش دیاسپورایی لاکان، با عنوان «فقدان خانه»، با ارائه یک تحلیل روانکاولنه از تجربه دیاسپورایی، دیدگاه جدیدی را برای درک پیچیدگی‌های هویت، تعلق و فقدان در جوامع مهاجر باز می‌کند. این دیدگاه ما را نه‌تنها قادر می‌سازد، تا با چالش‌های روانی و اجتماعی پیش روی مهاجران با آنها همدلی و همذات‌پنداری نماییم؛ بلکه پتانسیل‌های خلاقانه و نوآورانه‌ای را که در خود تجربه دیاسپورایی نهفته است، نیز شناسایی کنیم.

۴. رویکرد نشانه‌شناسی

این رویکرد به‌عنوان یک شاخه مستقل از مطالعات فرهنگی و زبانی، در اواسط قرن بیستم شکل گرفت. یکی از بنیان‌گذاران اصلی این حوزه، فردینان دو سوسور، زبان‌شناس سویسی بود که مفهوم نظام‌های نشانه و رابطه بین دال (شکل فزیکی یا نشانه) و مدلول (معنا یا مفهوم) را معرفی کرد (Saussure, 1916).

سوسور اعتقاد داشت که زبان و نظام‌های نشانه، دارای ساختار هستند و معنا در روابط بین این نشانه‌ها ساخته می‌شود. بعدها، اندیشمندان دیگری مانند کلود لوی استروس و رولان بارت نظریه‌ها و ابزارهایی را برای تحلیل نمادها، تصاویر و فرهنگ به این حوزه افزودند و آن را بیشتر توسعه دادند (Levi-Strauss, 1963).

هدف غایی نشانه‌شناسی درک چگونگی تولید و انتقال معنا در درون نظام‌های مختلف است. این دانش به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه نمادها، تصاویر، واژه‌ها و سایر نشانه‌ها در فرهنگ‌ها و جوامع متعدد، معنا کسب می‌کنند و چگونه بر رفتار، باورها و هویت افراد تأثیر می‌گذارند (Pelc et al, 1984). نشانه‌شناسی همچنین، به تحلیل پویایی‌های قدرت، سلطه و تولید کلیشه‌ها در رسانه‌ها و فرهنگ‌ها می‌پردازد. بارت (۱۹۶۷) با توجه به عناصر نشانه‌شناسی، درک عمیق‌تری از روابط اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌دهد (Barthes, 1967). به طور کلی، هدف گسترده و کلی آن کشف سازوکارهای فرهنگی و روانی است که به تفسیر و درک سطوح مختلف معنا در جامعه کمک می‌کنند (Lévi-Strauss, 1963).

با این همه، باید فهمید نشـانه‌شـناسـی در این تحلیل چه کاربردی دارد. در واقع، رویکرد نشـانه‌شـناسـی با ارائه ابزارهای متعدد تحلیلی دقیق کمک می‌کند؛ تا لایه‌های پنهان معنا در تصاویر و نمادهای مربوط به آسیب‌پذیری مرزهای حریم خصوصی انسان‌های آواره و مهاجر را رمزگشـایی کنیم. این رویکرد ما را قادر می‌سـازد؛ تا درک عمیق‌تری از تجربیات، احسـاسـات و پیامدهای ناشـی از این پدیده به دست آوریم و راه‌حل‌های موثرتری برای حفظ حقوق و کرامت مهاجران و پناهجویان ارائه دهیم (Berger, 2022).

همانطورکه قبلاً ذکر شـد، هدف اصـلی، درک چگونگی تولید، انتقال و دریافت معنا اسـت. برای دسـتیابی به این امر، رابطه بین دال (شکل فزیکی نشانه) و مدلول (مفهوم یا ایده) بررسی می‌شود، به طوری‌که نشانه ترکیبی از این دو است. تصاویر مربوط به مهاجران (مانند اردوگاه‌ها، چادرها، چهره‌ها و وسایل شخصی) به عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌ها در نظر گرفته می‌شوند. هر یک از این عناصـر بصـری به‌عنوان دال‌هایی عمل می‌کنند که به مفاهیم و مدلول‌های خاصـی اشاره دارند.

پیشینهٔ تحقیق

مطالعات پیشین نشان می‌دهند که موضوع مهاجرت و وضعیت مهاجران افغان از زوایای مختلف مورد بررسـی قرار گرفته اسـت. الهام کیشـاوری و همکاران (۲۰۲۵) مطالعهٔ با عنوان «نشـانه شـناسـی فرهنگی جایگاه مهاجران افغان بر اساس فلم‌های برادران محمودی» انجام داده‌اند که به بررسـی جایگاه فرهنگی مهاجران افغان در ایران با اسـتفاده از نظریه «مرکز-حاشـیه» در نشانه‌شناسی فرهنگی می‌پردازد.

این تحقیق نشـان می‌دهد که مهاجران افغان با گذشـت زمان از حاشـیه به مرکز حرکت کرده‌اند و با افزایش تعاملات با جامعه ایران، فضاهای فرهنگی مختلفی را اشغال کرده‌اند. با این حال، آنها هنوز به طور کامل وارد فضـای فرهنگی مرکزی نشـده‌اند. این فرآیند را می‌توان از طریق نشـانه‌های فضـایی (مانند تغییر محل سـکونت) و نشـانه‌های غیرفضـایی (مانند گفتار و اعمال) تحلیل کرد (Keshavari, Rayani Makhsous, & Aref, 2025).

در مقاله «حریم خصوصی در زمینه‌های فروپاشیده آوارگی» به واسطه ویته بورن (۲۰۲۳)، توجه به بحران‌ها و فروپاشـی مرزهای حریم خصـوصـی معطوف شـده اسـت. این تحقیق نشـان می‌دهد که در شرایط اضطراری و بحرانی، مرزهای حریم خصوصی به شدت به خطر می‌افتند و افراد با تهدیدهای فزاینده‌ای مانند نظارت بی‌رویه، سـوء اسـتفاده‌های قانونی و ناامنی روانی

مواجه می‌شوند. نویسنده بر ضرورت اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای حمایتی در این فضاهای شکننده برای حفظ حقوق فردی و کرامت انسانی تأکید می‌کند (Witteborn, 2023).

مروری بر منابع علمی در مورد حریم خصوصی در زمینه مهاجرت و آوارگی نشان می‌دهد که این موضوع از دیدگاه‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته است. در مقاله «حریم خصوصی داده و آوارگی: یک رویکرد فرهنگی» ویته بورن (۲۰۲۰)، متمرکز بر چالش‌های فرهنگی و اجتماعی ناشی از نقض حریم خصوصی در شرایط آوارگی و مهاجرت است. نویسنده بر نقش محوری حریم خصوصی در شکل دادن به هویت فردی و ایجاد حس امنیت در مواجهه با شرایط بحرانی تأکید می‌کند و بر اهمیت حفاظت از اطلاعات شخصی، هم در زمینه خانوادگی و هم در سطح ملی، تأکید می‌کند (Witteborn, 2020).

در کتاب «خطرات: از حریم خصوصی و دستکاری تا سوگیری و جابجایی» هیرش (۲۰۲۳)، به خطرات ناشی از فن‌آوری‌های نوظهور و کلان داده‌ها برای حریم خصوصی مهاجران و جمعیت‌های آسیب‌پذیر در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌پردازند. او بر خطر دستکاری، تبعیض و سوء استفاده از داده‌های شخصی تأکید می‌کند و راه‌حل‌های اخلاقی و قانونی برای مدیریت این خطرات ارائه می‌دهند. این تحلیل بر اهمیت احترام به حقوق بشر و حریم خصوصی در حوزه دیجیتال، به ویژه در محیط‌های افراد آواره و مهاجر، تأکید می‌کند (Hirsch, 2023).

در کتاب «مهاجرت و حریم خصوصی در حقوق اتحادیه اروپا» نوشته نیووی واوولا، چالش‌های قانونی و نظارتی مربوط به حفظ حریم خصوصی در زمینه مهاجرت در چارچوب نظام حقوقی اتحادیه اروپا بررسی شده است. نویسنده بر مسائلی مانند ذخیره و استفاده از داده‌های حساس، از جمله بیومتریک و سیستم‌های اطلاعاتی گسترده، تمرکز می‌کند و پیشنهاد می‌دهد که مقررات دقیق و ممنوعیت‌های علیه سوء استفاده از داده‌ها برای حمایت از حقوق مهاجران و پناهندگان ضروری است. این تحلیل نشان می‌دهد که قوانین پیشرفته و سیاست‌های شفاف کلید حفظ حریم خصوصی در دنیای در حال تحول تکنولوژی و مهاجرت هستند (Vavoula, 2022).

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که این تحقیقات عمدتاً بر تحلیل کلامی، حقوقی یا داده‌محور استوارند و حریم خصوصی داده‌ای و دیجیتال را در مرکز توجه قرار می‌دهند. همچنین، این ادبیات یا به لایه توصیفی بسنده می‌کند یا پیامدهای روانی و اجتماعی را به‌صورت نظری مفروض می‌گیرد و کمتر میان «فقدان خانه» به‌عنوان مقوله هویتی و «فروپاشی مرزهای حریم خصوصی» به‌عنوان مقوله فضایی-بصری پیوند برقرار می‌کند. ازاین جهت، مقاله

حاضر در پاسخ به همین خلاها، با پیوند دادن نظریه حریم خصوصی، روان‌شناسی محیطی و مفهوم «نظم نمادین» لاکان با ابزارهای نشانه‌شناختی سوسور و بارت، به خوانش حریم خصوصی به‌عنوان پدیده‌ای بصری-فضایی در تصاویر مهاجران افغان می‌پردازد.

روش تحقیق

این تحقیق به روش کیفی و با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی انجام شده است. چارچوب تحلیلی این تحقیق بر دو ستون نظری اصلی استوار است: نخست، مدل دوگانه «دال و مدلول» فردینان دو سوسور که نشانه را به صورت فزیکی (دال) و مفهوم یا معنای ذهنی (مدلول) تقسیم می‌کند و امکان شناسایی نظام‌مند عناصر بصری و مفاهیم ارجاعی آن‌ها را فراهم می‌سازد. دوم، مفاهیم «استدیوم» (Studium) و«پونکتوم» (Punctum) رولان بارت که لایه‌های معنایی تصویر را از سطح خوانش فرهنگی و قابل کدگذاری (استدیوم) به سطح جزئیات نافذ، شخصی و احساسی (پونکتوم) گسترش می‌دهد.

در این تحلیل، عناصر بصری تصاویر (مانند چادرها، تخت‌های نظامی، زمین خشک، نگاه افراد به کمره (دوربین) و فقدان مرزهای فزیکی) به‌عنوان دال‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که به مدلول‌های خاصی همچون شکنندگی حریم خصوصی، آوارگی، بیگانگی و سلب کرامت انسانی ارجاع می‌دهند. همزمان، لایه استدیوم برای خوانش فرهنگی و زمینهٔ تصاویر و لایه پونتکوم برای شناسایی جزئیات نافذی که واکنش اخلاقی و احساسی در بیننده برمی‌انگیزند (مانند نگاه مستقیم زنان و کودکان به دوربین) به کار گرفته می‌شود. هدف اصلی، رمزگشایی نشانه‌های بصری دالّ بر شکنندگی مرزهای حریم خصوصی و استخراج دلالت‌های فرهنگی، اجتماعی و روانی آن است. مراحل انجام تحلیل به‌شرح زیر است:

در مرحله گردآوری داده‌ها، با جستجو در وب‌سایت‌های خبری و پایگاه‌های انترنتی مرتبط با مهاجرت و پناهندگی، تصاویری که مهاجران افغانستانی را در فضاهای اسکان موقت و دائمی به تصویر می‌کشیدند، گردآوری شد. معیارهای ورود برای جست‌وجو عبارت بودند از: تصاویری که مهاجران افغانستانی را در اردوگاه‌ها، پارک‌ها، چادرها یا مکان‌های اسکان موقت و دائمی نشان می‌دهند؛ تصاویری که عناصر بصری مرتبط با فضای شخصی، حریم خصوصی، تراکم جمعیت، امکانات بهداشتی یا نظم فضایی را در بر می‌گیرند؛ تصاویری که در منابع خبری یا سازمان‌های معتبر منتشر شده‌اند. در مجموع، ۱۶ تصویر مرتبط با موضوع تحقیق گردآوری شد. این تصاویر از نظر منبع، مکان جغرافیایی و ترکیب‌بندی بصری تنوع نسبی داشتند.

پس از گردآوری ۱۶ تصویر، در مرحله غربالگری، هر تصویر به‌صورت جداگانه بررسی شد و عناصر بصری آن (افراد، اشیا، نمادها، رنگ، ترکیب‌بندی و فضای پیرامون) شناسایی گردید. در این بررسی مشخص شد که ۱۳ تصویر از میان ۱۶ تصویر، از نظر نشانه‌های بصری و نمادهای دالّ بر شکنندگی حریم خصوصی، مشابه و تکراری هستند. به عبارت دیگر، این تصاویر همان نشانه‌های اصلی (مانند چادرهای پراکنده، تراکم جمعیت، فقدان مرز فزیکی، نظم تحمیلی و فقدان امکانات خصوصی) را با تغییرات جزئی تکرار می‌کردند. بنابراین، ۱۳ تصویر به دلیل مشابهت نشانهٔ حذف شد و تنها ۳ تصویر که از نظر تنوع نشانه‌ها و ترکیب‌بندی بصری، تفاوت‌های معناداری با یکدیگر داشتند، برای تحلیل نهایی انتخاب گردید. این سه تصویر عبارت بودند از: ۱. تصویری از اسکان موقت مهاجران در یک پارک عمومی در اسلام‌آباد پاکستان؛ ۲. تصویری از اردوگاه مرزی تورخم میان پاکستان و افغانستان؛ و ۳. تصویری از محل اسکان مهاجران افغان در فرانسه.

معیارهای انتخاب نمونه نهایی عبارت بودند از: تنوع در نوع فضا (اسکان در پارک عمومی، اردوگاه مرزی و محل اسکان سرپوشیده)؛ تنوع در نوع نشانه‌ها (حضور برجسته زنان و کودکان، نظم تحمیلی چادرها، تخت‌های نظامی و فقدان شخصی‌سازی فضا)؛ و توان تحلیلی (هر تصویر مجموعهٔ متمایز از نشانه‌های بصری را ارائه می‌داد که امکان رمزگشایی لایه‌های متفاوتی از معنا را فراهم می‌کرد). در مرحله توصیف تصاویر، هر تصویر بدون تفسیر عمیق توصیف گردید. تمام افراد، نمادها، نشانه‌ها، اشیا، رنگ‌ها و ترکیب‌بندی‌های تصویر به‌صورت دقیق شناسایی و ثبت شدند. هدف از این مرحله، ایجاد یک مبنای توصیفی شفاف بود؛ تا تفسیرهای بعدی بر پایه آن استوار شوند. در مرحله تحلیل نشانه‌شناختی، عناصر تصویری و ترکیب‌بندی آنها با پایبندی به نظریه‌های نشانه‌شناسی (رابطه دال و مدلول سوسور، مفهوم «پونکتوم» بارت و نظام نشانهٔ) بررسی گردید. حالت افراد، فضای اطراف و عناصر داخل قاب به دقت ارزیابی و در راستای آشکارسازی معانی فرهنگی، اجتماعی و روانی آنها تبیین شد.

در مرحله تفسیر نظری، بر اساس شناخت از ساختارهای فرهنگی، وضعیت هویتی و مسائل روانی مهاجران، نمادهای دیداری در تصاویر و ارتباط آن‌ها با مفاهیم نظری مقاله (نظریه حریم خصوصی، روان‌شناسی محیطی و نظم نمادین لاکانی) تبیین گردید. هدف از این مرحله، درک عمیق‌تر و تحلیل مفهومی پیام‌های تصاویر درباره وضعیت مهاجران، احساس ناامنی، فشارهای روانی و وضعیت «خانه» و «بی‌خانگی» آن‌ها بود. همچنین، به‌منظور افزایش اعتبار یافته‌ها، تحلیل‌ها به‌صورت مداوم با نظریه‌های موجود و منتخب در این تحقیق تطبیق داده شد.

همچنین، نظرات کارشناسان حوزه مهاجرت و فرهنگ‌پژوهی برای تأیید برداشت‌های تحلیلی درخواست گردید.

از محدودیت‌های این روش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اگرچه ۱۶ تصویر گردآوری شد؛ اما به دلیل مشابهت نشانه‌ای، تنها ۳ تصویر برای تحلیل نهایی انتخاب گردید. این تعداد محدود، تعمیم‌پذیری یافته‌ها را محدود می‌کند. تحلیل نشانه‌شناختی ماهیتی تفسیری دارد و ممکن است برداشت‌های تحلیل‌گر بر لایه‌های معنایی تصاویر تأثیر بگذارد. تصاویر به‌تنهایی نمی‌توانند تجربه زیسته مهاجران را به‌طور کامل بازنمایی کنند و اثبات قطعی پیامدهای روانی و اجتماعی نیازمند تحقیقات تجربی تکمیلی (مانند مصاحبه، پرسش‌نامه یا مطالعات طولی) است.

یافته‌ها

در این مقاله، تحلیل نشانه‌شناسی به‌عنوان رویکرد اصلی برای بررسی و تفسیر تصاویر جمع‌آوری‌شده به کار گرفته شد. این رویکرد بر درک جنبه‌های معنایی و نمادین عناصر بصری، بررسی چگونگی تولید معنا توسط اجزای بصری و رابطه آنها با مفاهیم اجتماعی، فرهنگی و روانی مرتبط با مهاجران تمرکز دارد. هدف از این تحلیل، کشف لایه‌های پنهان معنا در تصاویر و کسب درک عمیق‌تری از پیام‌ها و نمادهای مربوط به آسیب‌پذیری مرزهای حریم خصوصی و پیامدهای روانی، اجتماعی و فرهنگی آن برای مهاجران افغان بود.

تصویر ۱. پارکی به نام پارک کودک در اسلام آباد پاکستان را نشان می‌دهد که مهاجران و پناهندگان افغانستانی از روی ناگزیری و برای اقامت موقت از آن استفاده می‌کنند. این مکان، روبه‌روی دفتر سازمان ملل متحد در این شهر موقعیت یافته است. این تصویر از وب‌سایت انفومگرنتز (InfoMigrants) گرفته شده است (مهاجرنیوز، ۲۰۲۲).

تصویر (۱) روایتی بصری از مهاجران افغان ارائه می‌دهد و واقعیت‌های تلخ آوارگی آنها را در یک پارک عمومی که نمادی بارز از آسیب‌پذیری و بی‌ثباتی است، به نمایش می‌گذارد.

این محیط، به دور از ارائه پناهگاه، به‌عنوان یک عرصه عمومی فوق‌العاده قابل مشاهده عمل می‌کند و فروپاشی مرزهای سنتی حریم خصوصی را تشدید می‌نماید. چادرها و رختخواب‌های پراکنده صرفاً نشانه‌هایی از تلاش برای پناه گرفتن نیستند؛ بلکه به‌عنوان استعاره‌های بصری تامل‌برانگیزی برای تلاش مهاجران برای بازیابی ظاهری از فضای شخصی و خانوادگی در محیطی هستند که اساساً ضد هر دو است. این سازه‌های عجولانه برپا شده، ناکافی و به ظاهر ناامن، بر ناپایداری وجود آنها تأکید می‌کنند تصویر (۱) را ببینید.

زنان و کودکان، که در مرکز بصری تصویر قرار گرفته‌اند، به عنوان نشانه‌های قدرتمندی از آسیب‌پذیری و ضرورت حفاظت عمل می‌کنند. برجسته‌بودن آنها توجه را به تأثیر نامتناسب از دست دادن حریم خصوصی بر این گروه‌های جمعیتی جلب می‌کند. معماری مرتفع در پس زمینه تضاد قابل توجهی ایجاد می‌کند. این ساختمان‌ها که نمادی از خانه‌های پایدار و فضاهای خصوصی امن هستند، به طور بصری محرومیت مهاجران و دست نیافتنی بودن این حقوق اساسی را برجسته می‌کنند. این تضاد صرفاً فضایی نیست؛ بلکه نمادین نیز هست و شکاف بین واقعیت کنونی مهاجران و زندگی پایدار و امنی که مجبور به ترک آن شده‌اند را برجسته می‌کند تصویر (۱) را ببینید.

نگاه‌های افراد به سمت دوربین، نشانه‌های نشانه‌شناختی پیچیده‌ای هستند. آنها طیف وسیعی از احساسات را منتقل می‌کنند. ناامنی، نگرانی و تنش محسوس بین تمایل به نامرئی بودن و نیاز به ابراز وجود. این نگاه‌ها به عنوان شاخص‌های قوی استرس و اضطراب ناشی از نظارت مداوم و فرسایش استقلال شخصی عمل می‌کنند. با تکیه بر مفهوم "پونکتوم" بارت، می‌توان این نگاه‌ها را به‌عنوان جزئیات نافذی در نظر گرفت که رضایت تماشاگر را مختل می‌کند و تأمل در ابعاد اخلاقی مهاجرت و آوارگی را برمی‌انگیزد تصویر (۱) را ببینید.

به طور کلی، این تصویر پیامدهای عمیق فروپاشی مرزهای فزیکی و اجتماعی بین حوزه‌های خصوصی و عمومی را آشکار می‌کند. عدم کنترول بر محیط اطراف، ترس فراگیر از قضاوت و آزار و اذیت، و ناتوانی در انجام امور شخصی، نقض جدی حقوق اساسی بشر را تشکیل می‌دهد. چادرها، به‌عنوان "خانه‌های شکست‌خورده"، یادآورهای تلخی از محرومیت مهاجران هستند. این وضعیت ما را دعوت می‌کند؛ تا در چارچوب‌هایی که از طریق آن نیازهای جمعیت‌های آواره را درک و به آن رسیدگی می‌کنیم، تجدید نظر کنیم و از راه حل‌هایی حمایت کنیم که نه‌تنها بقای اساسی؛ بلکه احیای کرامت، حریم خصوصی و حس تعلق را نیز در اولویت قرار می‌دهند. با اذعان به تعامل پیچیدهٔ نشانه‌ها و نمادها در این تصویر، می‌توانیم به رویکردی همدلانه‌تر و مؤثرتر برای حمایت از مهاجران در این شرایط چالش‌برانگیز حرکت کنیم.

تصویر ۲. اردوگاه مهاجران افغانستانی در منطقه تورخم، مرز پاکستان و افغانستان. نهاد رسانهٔ تابناک، گزارش تصویری از این اردوگاه تهیه کرده است و تصویر ذکر شده از وب‌سایت این نهاد دریافت شده است (تابناک، ۱۴۰۲).

چادرها که به دقت ردیف شده‌اند، در ابتدا به نظر می‌رسد نمادی از تلاشی سازمان‌یافته برای احیای حس حریم خصوصی شخصی برای مهاجران آواره در اثر بحران است.

با این حال، این نظم بصری واقعیت عمیق‌تری را پنهان می‌کند: منظره خشک و بی‌روح اردوگاه نه تنها نشان‌دهنده شرایط سخت محیطی، مانند تهدید گرمازدگی و ناامنی فزیکی؛ بلکه نشان‌دهنده حس عمیق بیگانگی و محرومیت است. این فضای متروک، عاری از منابع طبیعی و جذابیت زیبایی‌شناختی، به‌عنوان نمادی قوی از قطع ارتباط مهاجران از سرزمین خود و ارتباطات حیاتی که ارائه می‌کرد، عمل می‌کند.

موترهای باربری (کامیون‌های) انباشته از بار و در صف تخلیه، به‌عنوان شاخص‌های بصری یک بحران مهاجرتی مداوم و رو به تشدید عمل می‌کنند. آن‌ها هم حجم زیاد افراد آواره و هم منابع ناکافی موجود برای اسکان آن‌ها را نشان می‌دهند. کامیون‌ها نه تنها نماد چالش‌های تدارکاتی هستند؛ بلکه نمادی از توان اختلال بیشتر و تعمیق حس فشردگی فضایی در داخل اردوگاه نیز هستند که تنش‌های موجود را تشدید کرده و انسجام اجتماعی را تضعیف می‌کنند.

وجود امکانات همانند بیت الخلاء (تشناب‌های) سیار و محدود، که ظاهراً فاقد بهداشت کافی هستند، فراتر از صرفاً نگرانی‌های بهداشتی است. این فضاهای مشترک به نمادهای قدرتمندی از نقض حریم خصوصی و به خطر افتادن کرامت مهاجران تبدیل می‌شوند. واقعیت تلخ تطهیر مشترک، نقض اساسی مرزهای شخصی را آشکار می‌کند و از دست دادن کنترول مهاجران بر بدن و فضاهای شخصی آنها را برجسته می‌کند. در بسیاری از فرهنگ‌ها، حریم خصوصی در طول این فعالیت‌های صمیمی، عمیقاً ارزشمند است و فقدان آن نشان‌دهنده حمله عمیق به استقلال شخصی است.

در حالی‌که برپایی چادرها نشان‌دهنده تلاشی نمادین برای بازسازی «خانه» است، تصویر محدودیت‌های ذاتی این تلاش را نشان می‌دهد. چادرها، که به‌عنوان نشانه‌های فضای شخصی عمل می‌کنند، نمی‌توانند امنیت، آسایش و تغذیه روانی مرتبط با یک خانه واقعی را فراهم کنند. همانطورکه لاکان ممکن است استدلال کند، نظم نمادین مختل شده است. چادرها فاقد تاریخچه، خاطرات و وابستگی‌های خانوادگی هستند که به یک مسکن معنا و هویت می‌بخشند. آن‌ها فقط یک سپر سطحی در برابر دید عموم ارائه می‌دهند و نمی‌توانند نیازهای پیچیده عاطفی و روانی مهاجران را برآورده کنند. بنابراین، مهاجران حالتی از "برهنگی روانی" را تجربه می‌کنند و نه‌تنها در معرض بررسی فزیکی؛ بلکه در معرض پاک شدن هویت شخصی و میراث فرهنگی خود قرار می‌گیرند.

شرایط اردوگاه در نهایت بر نیاز فوری به حفظ و احترام به حریم خصوصی شخصی در محیط‌های مهاجرتی تأکید می‌کند. بدون آن، سلامت روانی و جسمی مهاجران به شدت به خطر می‌افتد و منجر به افزایش اضطراب، ناامنی و احساس فراگیر سلب کرامت انسانی می‌شود.

تصویر ۳. براساس گزارش یورونیوز، این تصویر محل اسکان مهاجران افغان مقیم فرانسه را نشان می‌دهد و از پایگاه اینترنتی یورونیوز گرفته شده است (یورونیوز، ۲۰۲۱).

تصویر شماره ۳ یک نمایش بصری واضح از محل اقامت مهاجران افغانستانی در فرانسه را ارائه می‌دهد که تحت سلطه حضور تخت‌های نظامی است که به عنوان نمادهای قدرتمندی از یک وجود موقت و غیرشخصی عمل می‌کنند. خود تخت‌ها که در ردیف‌های منظم چیده شده‌اند، نشان‌دهنده تحمیل یک نظم عمومی است که حریم خصوصی و استقلال فردی را نفی می‌کند. خود طرح‌بندی، حس کنترول سازمانی را تداعی می‌کند و هرگونه ظاهری از آسایش شخصی یا خانگی را از بین می‌برد.

تراکم بالای افرادی که در یک فضای محدود فشرده شده‌اند، کمبود شدید فضای شخصی و از بین رفتن مرزهای حریم خصوصی را بیشتر نشان می‌دهد. این فشردگی فضایی صرفاً یک مسأله لجستیکی نیست؛ بلکه نمادی از نقض عمیق فضای شخصی و ناتوانی در حفظ و کنترول بر محیط فوری آنها است. وسایل شخصی محدود در اطراف تخت‌های خواب از یک سو بیانگر نیازهای اساسی افراد است که به حد اقل رسیده‌اند، از سوی دیگر، به‌عنوان نشانگرهای بصری هویت از دست رفته و وابستگی‌های قطع شده عمل می‌کنند. مهاجران مجبور می‌شوند دارایی‌های گرامی خود را که نمادی از زندگی گذشته آنها است، رها کرده و با وجود محدودیت‌های آوارگی، با یک زندگی مینیمالیستی* سازگار شوند.

وجود چادرها در پس‌زمینه، در حالی‌که شاید به‌عنوان تلاشی برای ایجاد خلوتگاه‌های خصوصی در نظر گرفته شده باشد، در نهایت بر ناپایداری وضعیت تأکید می‌کند. این چادرها، که در یک فضای عمومی بزرگتر قرار دارند، فقط یک توهم سطحی از حریم خصوصی را ارائه می‌دهند و مبارزه مداوم برای بازپس‌گیری فضای شخصی در محیطی که برای گذرا بودن و کنترول طراحی شده است را برجسته می‌کنند.

* مینیمالیسم سبکی در هنر، طراحی و شیوه زندگی است که بر سادگی، حذف عناصر زائد و تمرکز بر ضروریات تأکید دارد. این رویکرد می‌کوشد با به‌کارگیری کمترین عناصر ممکن، وضوح، آرامش و زیبایی را ایجاد کند (Frompton, 2001).

تار کردن عمدی چهره‌ها در برخی از عکس‌ها به عنوان یک حرکت نشانه‌شناختی قدرتمند عمل می‌کند. این مورد، بیانگر از دست دادن هویت و گمنامی اجباری است که مهاجران در این شرایط تجربه می‌کنند. عمل پنهان کردن چهره‌ها را می‌توان به عنوان نوعی محافظت از خود، وسیلهٔ برای جلوگیری از قرار گرفتن در معرض عموم یا لنگ زدن (Stigma)* احتمالی تفسیر کرد. به این ترتیب، تمایل مهاجران به حفظ درجه‌ای از کنترول بر تصویر و روایت خود در مواجهه با آسیب‌پذیری طاقت‌فرسا را تأکید می‌کند.

فقدان آشپزخانه‌ها، حمام‌ها و توالت‌های خصوصی نشان‌دهنده نقض حقوق اساسی مهاجر و فروپاشی سیستماتیک مرزهای حریم خصوصی او است. این امکانات اولیه نه‌تنها برای رفاه جسمی؛ بلکه برای حفظ بهداشت، کرامت و سلامت روان ضروری هستند. فقدان آنها نمادی از کاهش به بقای صرف است و عناصری را که به ایجاد حس عادی بودن و عزت نفس کمک می‌کنند، از بین می‌برد تصویر (۳) را ببینید.

در نهایت، تصویر شماره ۳ راه‌های چندوجهی را نشان می‌دهد که در آن مهاجران از حقوق و امکانات اولیه خود محروم می‌شوند، که مستقیماً با فروپاشی حریم خصوصی مرتبط است. از دست دادن حریم خصوصی فقط یک ناراحتی فزیکی نیست؛ بلکه یک آسیب روانی و اجتماعی است که عمیقاً بر زندگی افراد تأثیر می‌گذارد. تلاش برای ایجاد فضاهای خصوصی، حتی در چنین محیط‌های محدودی، بر نیاز اساسی انسان به استقلال شخصی و تلاش برای حفظ هویت و کرامت خود در مواجهه با آوارگی تأکید می‌کند.

بحث و جمع‌بندی

تصویر نخست، فضای یک پارک عمومی را نشان می‌دهد که مهاجران و پناهندگان افغانستانی به‌طور موقت در آن اسکان یافته‌اند. این مکان در نزدیکی دفتر سازمان ملل متحد در اسلام‌آباد واقع شده است. در این تصویر، عناصر بصری زیر قابل شناسایی است: چادرها و رختخواب‌های پراکنده در فضای باز پارک، حضور برجسته زنان و کودکان در مرکز بصری تصویر، ساختمان‌های مرتفع و بادوام در پس‌زمینه، نگاه‌های برخی افراد به سمت دوربین و فقدان هرگونه حصار، دیوار یا مرز فزیکی میان فضای اسکان و فضای عمومی پارک. این عناصر، در

* انگ‌زدن به برچسب‌گذاری منفی و ننگ‌آورِ افراد یا گروه‌های اجتماعی گفته می‌شود که منجر به تبعیض و تمایز منفی در برابر آنان می‌گردد. این مفهوم در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی برای تحلیل شیوه‌های مواجهه با ویژگی‌های نامطلوب یا کلیشه‌های منفی به‌کار می‌رود (Goffman, 1963).

سطح توصیفی، حاکی از آن است که فضای شخصی این افراد در معرض دید عموم قرار دارد و هیچ مرز فزیکی مشخصی میان حوزه خصوصی و عمومی وجود ندارد.

تصویر دوم، اردوگاهی در منطقه مرزی تورخم میان پاکستان و افغانستان را به نمایش می‌گذارد. عناصر بصری قابل مشاهده در این تصویر عبارت‌اند از: چادرهایی که در ردیف‌های منظم و فشرده چیده شده‌اند، زمین خشک، بی‌روح و فاقد پوشش گیاهی، کامیون‌های انباشته از بار که در صف تخلیه قرار دارند، توالت‌های سیار و محدود که ظاهراً فاقد بهداشت کافی هستند و فقدان فضای باز شخصی یا حریم مشخص میان چادرها این تصویر، در سطح توصیفی، نشان‌دهنده تراکم فضایی بالا، نظم تحمیلی و کمبود امکانات بهداشتی خصوصی است.

تصویر سوم، محل اسکان مهاجران افغانستانی در فرانسه را نشان می‌دهد. عناصر بصری این تصویر شامل موارد زیر است: تخت‌های نظامی که در ردیف‌های منظم و فشرده چیده شده‌اند، تراکم بالای افراد در یک فضای محدود و سرپوشیده، فقدان هرگونه نشانه شخصی‌سازی فضا (مانند وسایل شخصی، عکس یا تزئینات) و طراحی یکنواخت و غیرشخصی فضا. این تصویر نیز در سطح توصیفی، حاکی از آن است که فضای زندگی این افراد فاقد هرگونه مرز خصوصی و نشانه‌های هویتی است.

تحلیل سه تصویر فوق، مجموعه‌ای از نشانه‌های بصری مشترک را آشکار می‌کند که همگی دالِ بر فروپاشی مرزهای حریم خصوصی در فضاهای اسکان موقت و دائمی هستند: قرار گرفتن فضاهای شخصی در معرض دید عمومی، نظم تحمیلی و غیرشخصی در چیدمان فضاها، تراکم بالای جمعیت و فقدان فضای شخصی، کمبود یا فقدان امکانات بهداشتی خصوصی، فقدان نشانه‌های هویتی و شخصی‌سازی فضا.

تفسیر یافته‌ها

بر اساس تعریف وستین (۱۹۶۷)، حریم خصوصی به معنای توانایی فرد در کنترول دسترسی دیگران به اطلاعات شخصی، بدن و فضای خود است. یافته‌های تصویر (۱) نشان می‌دهد که چادرها و رختخواب‌ها در فضای باز پارک، بدون هیچ مرز فزیکی، در معرض دید عموم قرار دارند. این وضعیت را می‌توان به‌عنوان مصداقی از فروپاشی مرزهای حریم خصوصی تفسیر کرد. همچنین، مفهوم «تنظیم کنترول» آلتمن (۱۹۷۵) که بر توانایی فرد در مدیریت مرزهای بین‌فردی و درون‌فردی تأکید دارد، در این فضاها به‌شدت محدود می‌شود.

از دیدگاه روان‌شناسی محیطی گیفورد (۲۰۱۴)، شرایط محیطی نامناسب می‌تواند بر احساس امنیت، تعلق و درک فرد از محیط اطرافش تأثیر منفی بگذارد. یافته‌های تصویر (۲) (زمین خشک، تراکم بالا، توالت‌های مشترک و فاقد بهداشت) و تصویر (۳) (تخت‌های نظامی در ردیف‌های منظم و فاقد شخصی‌سازی) را می‌توان به‌عنوان عواملی تفسیر کرد که ممکن است، احساس امنیت و تعلق را در میان ساکنان تضعیف کنند.

در چارچوب نظریه لاکان، «خانه» بخشی از «نظم نمادین» است که هویت فرد در آن شکل می‌گیرد. یافته‌های تصویر (۳)، به‌ویژه فقدان هرگونه نشانه شخصی‌سازی و هویتی در فضای اسکان، را می‌توان به‌عنوان نشانهٔ از اختلال در این نظم نمادین تفسیر کرد. چادرها و تخت‌های نظامی، فاقد تاریخچه شخصی، خاطرات و وابستگی‌های خانوادگی هستند که به یک مسکن معنا و هویت می‌بخشند. این وضعیت را می‌توان با مفهوم «کمبود اساسی» لاکان مرتبط دانست، هرچند این ارتباط یک استنباط نظری است و نه یافته تجربی مستقیم. برجسته بودن زنان و کودکان در تصویر (۱) را می‌توان با ادبیات مربوط به آسیب‌پذیری مضاعف گروه‌های خاص در مطالعات مهاجرت مرتبط دانست. با این حال، باید توجه داشت که این استنباط از تصویر است و نه اثبات تجربی. برای تأیید آن، نیاز به داده‌های میدانی و مصاحبه با این گروه‌ها است.

نتیجه‌گیری

تحلیل نشانه‌شناختی سه تصویر منتخب از مهاجران افغانستانی در فضاهای اسکان موقت و دائمی نشان داد که در این فضاها مجموعه‌ای از نشانه‌های بصری مشترک دالّ بر فروپاشی مرزهای حریم خصوصی وجود دارد: قرار گرفتن فضاهای شخصی در معرض دید عمومی، نظم تحمیلی و غیرشخصی، تراکم بالای جمعیت، کمبود امکانات بهداشتی خصوصی، و فقدان نشانه‌های هویتی. این عناصر به‌عنوان دال‌هایی عمل می‌کنند که به مدلول‌هایی همچون آوارگی، بیگانگی، سلب کرامت انسانی و «برهنگی روانی» ارجاع می‌دهند.

تصاویر از طریق چهار سازوکار نشانه‌ای از شکنندگی حریم خصوصی حکایت می‌کنند: (۱) حذف مرزهای فزیکی که حوزه خصوصی و عمومی را در هم می‌آمیزد؛ (۲) تحمیل نظم غیرشخصی که استقلال فردی را نفی می‌کند؛ (۳) تراکم فضایی که مرزهای بین‌فردی را از بین می‌برد؛ و (۴) فقدان نشانه‌های هویتی که حس تعلق را تضعیف می‌کند. یافته‌ها با ویته بورن (۲۰۲۳) درباره فروپاشی حریم خصوصی در شرایط بحرانی همسو است و ادعای وی درباره نقش حریم خصوصی در شکل‌دهی هویت را به‌صورت بصری تأیید می‌کند. همچنین، یافته‌های

کیشاوری و همکاران (۲۰۲۵) درباره وضعیت «بینابینی» مهاجران را در بُعد فضایی بسط می‌دهد. در مقابل، این مقاله با تمرکز بر حریم خصوصی فضایی و کالبدی، مکمل مطالعات هیرش (۲۰۲۳) و واوولا (۲۰۲۲) است که بر حریم خصوصی داده‌ای و دیجیتال متمرکز بودند.

از سوی هم ترکیب مدل دال و مدلول سوسور با مفاهیم استدیوم و پونتکوم بارت، چارچوبی کارآمد برای تحلیل لایه‌های چندگانه معنا فراهم کرد. همچنین، مفهوم «نظم نمادین» لاکان امکان تفسیر رابطه میان فقدان خانه و فروپاشی هویت را فراهم آورد.

پیشنهادات

حفظ حریم خصوصی، به‌ویژه برای مهاجران آسیب‌پذیر، یک چالش اساسی در دنیای امروز است. فقدان حریم خصوصی می‌تواند پیامدهای عمیقی بر سلامت روان و رفاه مهاجران داشته باشد. بنابراین، برای رسیدگی به این موضوع، یک رویکرد جامع و چندبعدی مورد نیاز است که شامل موارد زیر باشد:

- فراهم کردن امکانات کافی برای اسکان مهاجران: این امکانات باید شامل فضاهای خصوصی کافی، امکانات بهداشتی مناسب و دسترسی به خدمات بهداشتی و روانشناختی باشد؛
- احترام به حقوق مهاجران: دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی باید متعهد به رعایت حقوق مهاجران، از جمله حق حریم خصوصی، باشند؛
- حمایت از جوامع محلی: جوامع محلی میزبان مهاجران نیز برای مقابله با چالش‌های ناشی از ورود مهاجران به حمایت نیاز دارند؛
- انجام تحقیقات بیشتر: برای درک بهتر پیامدهای فقدان حریم خصوصی بر مهاجران و شناسایی استراتژی‌های مقابله موثر، به تحقیقات بیشتر در این زمینه نیاز است.

در نهایت، شایان ذکر است که حریم خصوصی نه‌تنها یک حق فردی؛ بلکه یک ضرورت اجتماعی است. جوامعی‌که به حریم خصوصی افراد احترام می‌گذارند، سالم‌تر، عادلانه‌تر و پایدارتر هستند.

منابع و مآخذ

تابناک. (۱۷ آبان ۱۴۰۲). *کمپ مهاجران افغانستانی در مرز پاکستان و افغانستان*. (آخرین بازدید: ۱۴۰۵/۶/۱۰)، قابل دسترس در: https://www.tabnak.ir/fa/news/1203490/

مهاجرنیوز، (۲۰۲۲/۰۷/۱۸). *پاکستان: یک پارک کودکان در اسلام آباد به اردوگاه مهاجران افغان تبدیل شد*. (آخرین بازدید: ۱۴۰۵/۶/۱۲). قابل دسترس در: https://www.infomigrants.net/prs/post/41986/

یورونیوز. (۲۴ اوت ۲۰۲۱). *دیدار نخست وزیر فرانسه با پناهجویان افغان در حومه پاریس*. (آخرین بازدید: ۱۴۰۵/۶/۱۵)، قابل دسترس در: https://parsi.euronews.com/2021/08/24/jean-castex-visite-afghan-migrant-came-to-france-last-ten-days

Al-Homoud, M. (2009). Privacy Control as a Function of Personal Space In Single-Family Homes in Jordan. Journal of Design and Built Environment. Retrieved from https://www.researchgate.net/publication/267841259_Privacy_Control_as_a_Function_of_Personal_Space_In_Single-Family_Homes_in_Jordan

Altman, I. (1975). The environment and social behavior: Privacy, personal space, territory, crowding. Brooks/Cole Publishing Company. Retrieved from https://archive.org/details/environmentsocia0000altm/page/262/mode/2up

Barthes, R. (1967). Elements of Semiology. (T. b. Smith, Trans.) Hill and Wang. Retrieved from https://monoskop.org/images/2/2c/Barthes_Roland_Elements_of_Semiology_1977.pdf

Berger, A. (2022). Semiotics and Society: SYMPOSIUM: SIGNS, SYMBOLS, AND SEMIOTICS. Broadcast and Electronic Communication Arts, San Francisco State University, 51, 22-26. https://doi.org/10.1007/s12115-013-9731-4

Berry, J. (1997). Immigration, acculturation, and adaptation. Applied Psychology: An International Review. 46(1), 5-34. Retrieved from https://doi.org/10.1111/j.1464-0597.1997.tb01087.x

Chapman, J., & Robertson, M. (1999). Home as a Private Space: Some Adolescent Constructs. Journal of Youth Studies, 2(1), 23-44. https://doi.org/10.1080/13676261.1999.10593022

Frampton, K. (2001). Modern Architecture: A Critical History. Thames & Hudson. Retrieved from https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.thamesandhudsonusa.com/books/modern-architecture-a-critical-history-softcover-fifth&ved=2ahUKEwih5abysrKOAxUTg_0HHcuUKXkQFnoECB8QAQ&usg=AOvVaw1sjg3KtYJF1Z8SVs0MfPjk

Gifford, R. (2014). Environmental psychology: Principles and practice. Optimal Books. Retrieved from https://www.amazon.com/Environmental-Psychology-Principles-Robert-Gifford/dp/0993771904

Goffman, E. (1963). Stigma: Notes on the Management of Spoiled Identity (2nd ed.). Prentice Hall.

Hirsch, D. (2023). Risks: From Privacy and Manipulation to Bias and Displacement. The Ohio State University. DOI:10.1007/978-3-031-21491-2_3

IOM Afghanistan (2026) IOM Report Highlights Reintegration Needs of Afghan Returnees and Host Communities. Available at: https://afghanistan.iom.int/news/iom-report-highlights-reintegration-needs-afghan-returnees-and-host-communities

Keshavari, E., Rayani Makhsous, M., & Aref, M. (2025). Cultural semiotics of the position of Afghan immigrants based on the films of the Mahmoudi brothers. Journal of Pazhuhesh-e Honar, 14(28), 77-94. Retrieved from https://www.magiran.com/paper/2862563/cultural-semiotics-of-the-position-of-afghan-immigrants-based-on-the-films-of-the-mahmoudi-brothers?lang=en

Lévi-Strauss, C. (1963). Structural Anthropology. (T. b. Schoepf, Trans.) New York: Basic Books.

Nawaz, M., & Aziz, A. (2022). Lacking Home: Lacan Reads Diaspora. Journal of Intercultural Studies, 43(5), 558-572. https://doi.org/10.1080/07256868.2022.2063823

Nissenbaum, H. (2010). Privacy in context: Technology, policy, and the integrity of social life. Stanford University Press. Retrieved from https://www.sup.org/books/law/privacy-context

Proshansky, H., Ittelson, W., & Rivlin, L. (1983). Environmental psychology: People and their physical settings (2nd ed.). Holt, Rinehart & Winston.

Pelc, J., Sebeok, T. A., Stankiewicz, E. and Winner, T. G. (eds.) (1984) Sign, System and Function: Papers of the First and Second Polish-American Semiotics Colloquia. Berlin: Walter de Gruyter. https://doi.org/10.1515/9783110824049

Saussure, F. (1916). Course in General Linguistics. (t.b. Edited by Charles Bally and Albert Sechehaye, Trans.) New York: McGraw-Hill Book Company, 1959.

Sommer, R. (1969). Personal space: The behavioral basis of design. Prentice-Hall. Retrieved from https://www.amazon.com/Personal-Space-Updated-Behavioral-Design/dp/0954723961

Tomah, A., Ismail, H., & Abed, A. (2016). The concept of privacy and its effects on residential layout and design: Amman as a case study residential layout and design: Amman as a case study. Habitat International, 53(2), 1-7. https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2015.10.029

UNHCR (2026) Afghanistan Situation Regional Update April 2026. Available at: https://reliefweb.int/report/afghanistan/unhcr-afghanistan-situation-regional-update-april-2026

Vavoula, N. (2022). Immigration and Privacy in the Law of the European Union: The Case of Information Systems. Immigration and Asylum Law and Policy in Europe, 51. Retrieved from https://www.degruyterbrill.com/document/isbn/9789004356115/html?srsltid=AfmBOoogmukAaGVwU6vAHLTWxv-91sksT0H2ErwMDQGlqFD--2icY20M

Westin, A. (1967). Privacy and freedom. Amazon Publication. Retrieved from https://www.amazon.com/Privacy-Freedom-Westin-Af/dp/0689102895

Witteborn, S. (2020). Data Privacy and Displacement: A Cultural Approach. Article history. Journal of Refugee Studies, 34(2), 2291–2307. https://doi.org/10.1093/jrs/feaa004

Witteborn, S. (2023). Privacy in collapsed contexts of displacement. Feminist Media Studies, 22(4), 883-897. https://doi.org/10.1080/14680777.2020.1841814